

تحلیلی بر رابطه آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مطالعه موردی: مناطق 1 و 5 شهرداری مشهد)¹

یعقوب زنگنه^{1*}، نیلوفر هنرمندی علمداری²، مهدی زنگنه³

- 1- دانشیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری
- 2- دانشجوی کارشناسی‌ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری
- 3- استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری

پذیرش: 97/8/22

دریافت: 97/7/2

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال بین ساکنان دو منطقه 1 و 5 شهرداری مشهد انجام شده است. این تحقیق از نظر ماهیت جز تحقیقات همبستگی محسوب می‌شود. داده‌های مورد نیاز از دو روش اسنادی و پیمایشی گردآوری شده است. واحد پژوهش در این تحقیق فرد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران 384 برآورد گردیده است. داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه با استفاده از آزمون‌های آمار توصیفی و استنباطی از جمله آزمون همبستگی، مقایسه میانگین‌ها و کای اسکوار و با به کارگیری نرم‌افزار اسپاس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سطح آگاهی ساکنان منطقه 1 شهرداری از حقوق شهری با میانگین 3/124 در حد متوسط و در منطقه 5 با میانگین 2/517 پایین‌تر از حد متوسط بوده و تفاوت میانگین در دو منطقه در حد معنی‌دار است. از دیگر نتایج تحقیق وجود یک رابطه معنی‌دار مثبت بین میزان آگاهی از حقوق شهری و مشارکت فعال آن‌ها با نهادهای مدیریت شهری است. به این معنی که هر چه میزان آگاهی ساکنان از حقوق شهری بیشتر بوده است، مشارکت فعال‌تری با مدیریت شهری داشته‌اند. همچنین نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین میزان آگاهی

E- mail: y.zangane@hsu.ac.ir

* نویسنده مسئول

1. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خانم نیلوفر هنرمندی علمداری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری می‌باشد که در دانشگاه حکیم سبزواری انجام شده است.



ساکنان از حقوق شهری و متغیرهای جنسیت، میزان درآمد و سطح تحصیلات و عدم وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر سن و مدت اقامت ساکنان با متغیر وابسته است.

کلیدواژگان: مشهد، حقوق شهری، حقوق شهروندی، شهروندی فعال.

1- مقدمه

از مفاهیمی که در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است، افزایش سطح دانش و اطلاعات عمومی در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق فردی و قوانین شهری است. امروزه با افزایش روزافزون شهرنشینی در جهان و هم‌زمان با آن پیچیدگی بیشتر تمدن‌های شهری، دستیابی به توسعه پایدار شهری و عدالت اجتماعی بدون حضور شهروندان فعال و آگاه در عرصه‌های عمومی امکان‌پذیر نیست. حقوق شهری به عنوان مجموعه قواعد و مقرراتی که چگونگی روابط، حقوق و تکالیف شهروندان را در برابر یکدیگر، جامعه و نهادهای مدیریت شهری تعیین می‌کند، بسترساز جامعه مدنی در شهرهاست. آگاهی از این حقوق را می‌توان هسته اصلی مشارکت اجتماعی و سیاسی یک جامعه دانست و مشارکت فعال را جزئی از حقوق و وظایف شهروندی به حساب آورد. به این معنی که میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های مشارکت فعال آن‌ها در جامعه در میزان تحقق شهروندی و ارتقا آن نقش مؤثری دارد. آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و به احقاق حقوق و ارتقا سطح زندگی بهتر او و دیگر اعضای جامعه منجر می‌شود. امروزه حقوق شهروندی به عنوان بعدی مهم از حقوق شهری جزئی از حقوق اجتماعی و مدنی هر شخص محسوب می‌شود که در قبال اطاعت و رعایت قوانین و تعهدهای عمومی و اجتماعی، سازمان‌ها و دستگاه‌های عمومی را به حمایت از خود وامی‌دارد (روشن، 1393: 112، 118).

ویژگی اساسی شهروندی وجود اخلاق مشارکت و شهروندی فعال چیزی بیش از افزایش صرف مشارکت عمومی است. شهروندی فعال خواهان مشارکت هدفمند است، یعنی شهروندان جهت تبدیل محیط اجتماعی و محل زندگی به مکان بهتری مشارکت فعال داشته باشند (غفاری نسب، 1391: 139).

از لحاظ تاریخی چنین تصور می‌شود که شهروندی یک پدیده غربی است و از دولت-شهرهای یونان باستان با زندگی در شهرها و مشارکت در امور شهرها نشأت گرفته است (ابوویتز¹ و هارنیش¹، 2006: 654). شهروندی در سنت غربی جنبه سیاسی داشته و به وسیله

1. Abowitz

رابطه فرد و دولت مشخص می‌گردد و با حقوق و مسئولیت‌ها مرتبط است، در صورتی که شهروندی در سنت آسیایی رابطه‌ای با خود-تهدیبی و ارتباطات هماهنگ با خود، دیگران، دولت و طبیعت است (جزمین² و همکاران، 2017:92). در حال حاضر شهروندی تقریباً به طور انحصاری در زمینه تعلق به یک دولت-ملت مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما جهانی شدن به طور فزاینده‌ای وابستگی به دولت-ملت را تضعیف کرده است (تورتر³، 1994:16)؛ به طوری که امروزه مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، آزادی بیان و رفع تبعیض به موضوعاتی جهانی تبدیل شده و افکار عمومی و سازمان‌های جهانی تحت کنترل سازمان ملل، صرف نظر از ملیت افراد، از حقوق بشر دفاع می‌کنند و کشورهای ناقض این حقوق را تحت انواع فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار می‌دهند.

اگرچه مفاهیمی چون حقوق شهروندی در کشورهای پیشرفته غربی از سابقه طولانی‌تری برخوردار است، اما در جریان فرایند جهانی شدن این مفهوم به سایر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران سرایت کرده و مورد توجه پژوهشگران، فعالان اجتماعی و برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است. نتایج اغلب این پژوهش‌های مرتبط با مشارکت بیابانگر سطح بالای تمایل به مشارکت از سوی شهروندان است، اما در عمل مشارکت فعال مردم در اداره امور شهر کمتر تحقق یافته است. شاید یکی از حلقه‌های مفقوده در این رابطه توجه کمتر به آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف خود در قبال جامعه، مدیران شهری و استفاده از فضاهای شهری است. از شهروندی که به حقوق و تکالیف خود در قبال جامعه واقف نیست نمی‌توان انتظار مشارکت فعال در اداره امور شهر داشت. گام نخست در ورود به موضوع حقوق شهری و شهروندی فعال سنجش میزان آگاهی ساکنان شهر از حقوق شهروندی خود است. بر این اساس در پژوهش حاضر میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در دو منطقه کم برخوردار (منطقه 5 شهرداری مشهد) و برخوردار (منطقه 1 شهرداری با تأکید بر منطقه سجاد) مورد بررسی و همچنین ارتباط بین آگاهی ساکنان از حقوق شهروندی و میزان مشارکت فعال آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. پرسش‌های اساسی که هدف این پژوهش یافتن پاسخ‌گویی منطقی و مستدل به آن‌هاست عبارت از موارد زیر است.

- میزان آگاهی شهروندان دو منطقه 5 و 1 شهرداری مشهد در چه سطحی است و از این نظر بین دو منطقه چه نوع رابطه وجود دارد؟

1. Harnish
2. Jasmine
3. Turner



- چه نوع رابطه‌ایی بین میزان آگاهی ساکنان دو منطقه از حقوق و قوانین شهری و مشارکت فعال آن‌ها در همکاری با نهادهای مدیریت شهری وجود دارد؟
- چه نوع رابطه‌ایی بین ویژگی‌های فردی و اجتماعی-اقتصادی از قبیل جنسیت، سن، سطح تحصیلات، سطح درآمد و مدت اقامت در شهر و میزان آگاهی ساکنان از حقوق و قوانین شهری وجود دارد؟

2- چارچوب نظری تحقیق

2-1- مفهوم شهروند و شهروندی

واژه شهروند در اولین فرهنگ فارسی این چنین تعریف شده است: «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد» (عمید، 1363). به عبارت دیگر شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت‌الحمایه حکومتی باشد و قوانین و مقررات آن حکومت را به رسمیت بشناسد، در واقع بخشی از آن جامعه به حساب آید (دستمالچیان، 1390: 4). در دانش‌نامه سیاسی شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی دارد، این رابطه را شهروندی گویند. مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است (آشوری، 1366: 174). امروزه مفهوم شهروندی با تابعیت گره خورده است. تابعیت عبارت از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (آذر داد، 1389: 12). مقررات مربوط به تحمیل یا تحصیل تابعیت را قانون مشخص می‌سازد؛ بنابراین موقعیت شهروند بودن را قانون معین می‌کند و شهروند کسی است که به واسطه تولید یا اعطای قانون شهروندی به عضویت یک کشور و جامعه سیاسی درآمده است و علاقه‌مند و وفادار به آن جامعه سیاسی و مستحق برخورداری از تمام حقوق مدنی و حمایت‌های قانونی است (امیری، 82:1395).

شهروندی از سه عنصر مجموعه‌ای حقوق و وظایف، مشارکت و هویت تشکیل شده است. اگرچه تأکید روی هر کدام ممکن است براساس زاویه دید متفاوت باشد (اسمیسمنز¹، 60:2009). برای مثال از ابعاد مختلف حقوق شهروندی، لیبرال‌ها بر مشارکت، جمهوری خواهان روی تعلق و کمونسیت‌ها بر جنبه تطابق تأکید دارند (بلامای²، 2:2004). با مطالعه متون تاریخی می‌توان دریافت که این مفهوم در گذشته نیز وجود داشته است. مثلاً در روم باستان

1. Smismans
2. Bellamy

شهروندی یک موقعیت ممتاز بود و با مشارکت سیاسی ارتباط نزدیکی داشته است (فاوکس¹، 2002:128). مفهوم شهروندی طی چند دهه اخیر دستخوش تغییرات عمده‌ای شده و نگرش‌های جدیدی به سوی آن معطوف شده است. امروزه دیگر نمی‌توان حقوق شهروندی را بر مبنای تعریف کلاسیک آن بررسی کرد، چرا که تعهدات هم‌اکنون جای خود را به اهمیت مشارکت شهروندان برای تحقق شهروندی کارآمد داده است. پس شهروندی نه تنها به معنای سکونت در یک شهر که به معنای مجموعه‌ای از آگاهی‌های حقوقی فردی و اجتماعی است. شهروندی به دو دسته فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود که بستگی به میزان تعهد فرد نسبت به جامعه و جهان‌بینی او دارد. هر دو جنبه این تعریف از دو طرف به خود شخص و دولت وابسته است (جانوسکی²، 1998:9).

2-2- حقوق شهری و حقوق شهروندی

جامعه از نظر حقوقی نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی و سایر روابط افراد را نسبت به یکدیگر و با نهادهای موجود تعریف و تعیین نماید. حقوق شهری عبارت از مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری جهت تأمین نیازمندی‌های مشترک محلی از طریق ایجاد و اداره مؤسسات عمومی است. از این‌رو از دید شهری موضوع حقوق شهری، چگونگی روابط، حقوق و تکالیف شهروندان در برابر یکدیگر، جامعه و نهادهای مدیریت شهری و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن را تعیین می‌کند (پیپر³، 2008:24). حقوق شهروندی که در زیر مجموعه حقوق شهری قرار می‌گیرد، مربوط به آن بخش از حقوق عمومی و حقوق بشر است که حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان را از حیث تابعیت سیاسی آن‌ها مورد شناسایی و محافظت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (به ویژه شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم است. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود (حسینی، 1389، 45). از آن‌جا که روابط و مناسبات قدرت چه از سوی افراد ذی‌نفوذ و چه از طرف نهادهای حاکم نقش مؤثری بر اعمال و ایفای حقوق دارند، حقوق شهروندی باید به سمت افزایش سهم افراد فقیرتر جامعه میل کند تا آن‌ها نیز به صورت برابر از حقوق بهره‌مند شوند. علاوه بر این تنها نام بردن از یک

1. Fauks
2. Janoski
3. Piper



سری از حقوق کافی نیست و باید دولت‌ها در جهت شفافیت سازمانی و پاسخ‌گویی حرکت کنند (آتوری¹، 2012:16). از طرف دیگر تحقق حقوق شهروندی نیازمند مشارکت فعال شهروندان است که غالباً از طرف دولت‌های محلی حایز اهمیت است (پراساد²، 2015:67). لئون براون لی³ (2016) با استفاده از تجربیات شخصی، سازمانی و اجتماعی انجمن Amal (فعالان، دریافت‌کنندگان، کارگزاران جامعه، سیاست‌گذاران و نویسندگان) تأثیر مشارکت شهروندان در تحقق حقوق شهروندی، بهبود جامعه یکپارچه و ترویج یک جامعه چند فرهنگی عالانه مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

2-3- شهروندی فعال

در یونان باستان شهروندی نه مبتنی بر حقوق بلکه مبتنی بر تعهدات بود. به ویژه در آتن همه شهروندان از حق رأی دادن برخوردار بودند، شهروندی هم عمیق و هم پرمایه بود (فالس، 1381:29). ارسطو معتقد بود که فرد برای این‌که انسان واقعی باشد باید یک شهروند فعال در اداره امور جامعه اش باشد. امروزه شهروندی فعال را مفهومی بسیار گسترده می‌دانند که البته از جامعه‌ای به جامعه‌ای متفاوت است. فعال بودن یک شهروند امری اختیاری محسوب می‌شود و به شخص ارزش و اعتبار می‌دهد (دارمانین⁴، 2012:6). از جمله کسانی که شهروندی فعال را مد نظر قرار داده چارلز تیلی⁵ است. به اعتقاد او در شهروندی فعال، حقوق و مسئولیت‌ها متقابلاً یکدیگر را حمایت می‌کنند جنبه فعالانه دارد، جامعه مدنی و نه لزوماً دولت به عنوان بنیان زندگی خوب تلقی می‌شود، بر وابستگی متقابل تأکید می‌شود، آزادی از طریق فضیلت مدنی تحقق می‌یابد و شهروندی جنبه اخلاقی دارد (تیلی، 1997:599). هاسکینز⁶ معتقد است شهروندی فعال به مشارکت مدنی شهروندان مربوط است و آن استفاده مناسب از سرمایه‌های اجتماعی است. شهروندی فعال دارای ابعادی از جمله مشارکت در زندگی سیاسی، جامعه مدنی، جامعه شهری، به رسمیت شناختن شهروندی فعال توسط دولت است (هاسکینز، 2006:11). ماچرینی⁷ بیان می‌کند که شهروندی نشان‌دهنده تفاوت در نگرش و دید فرد و تفاوت در نوع قوانین آن کشور و شیوه رفتار آن و همین‌طور علایق فردی و یا تفاوت در شیوه

1. Atory
2. Prasad
3. Lunn Brownlee
4. Darmanin
5. Charles Tilly
6. Hoskins
7. Mascherini

آموزش دیدن آن‌هاست (ماچرینی^۱، 7:2009). مارشال^۱ می‌گوید شهروندی نیازمند یک احساس مستقیم از عضویت اجتماعی براساس وفاداری به مدنیته است که یک دارایی عمومی محسوب می‌شود (مارشال، 12:1992). شهروند خوب و فعال معرّف افرادی است که در نهادهای مدنی مشارکت فعال داشته و وفادار به خدمت به جامعه است (ویلا، 299:2001). شهروندی فعال خواهان مشارکت هدفمند است، یعنی شهروندان برای تبدیل اجتماع و محل زندگی خود به مکان بهتری مشارکت می‌کنند و در فرایند تصمیم‌گیری‌ها در زمینه مسائل شهر و محل زندگیشان مشارکت فعال دارند (غفاری نسب، 1391، 153). لیستر^۲ معتقد است که شهروندی فعال باید در معنی وسیع‌تری شامل یادگیری سواد سیاسی، توانمندسازی، شناسایی ساختارها و روابط قدرت و در صورت لزوم تغییر آن و پیگیری اهداف و برنامه‌های عدالت اجتماعی تعریف شود (لیستر، 27:1998). بر این اساس شهروند فعال به همان اندازه که در تقویت توانمندی‌های فردی خود می‌کوشد در بهبود انسجام و همبستگی اجتماعی و در نتیجه تقویت جامعه مدنی تلاش می‌نماید (پکام^۳، 6:2008). یک جامعه سیاسی سالم به شهروندان فعال نیاز دارد. شهروندی فعال با فرد آغاز می‌شود چراکه از طریق اقدامات خود فرد است که شرایط ساختاری شهروندی بازتولید شده و بهبود می‌یابد (هاشمی و همکاران، 51:1388).

رسیدن به شهروندی فعال مستلزم تحقق دو مقوله مهم است. یکی دادن آموزش مناسب به شهروندان که نتیجه آن بالا رفتن میزان آگاهی مردم از حقوقشان است و دیگری تمایل و همکاری دولت در بستر سازی و رفع موانع جهت مشارکت واقعی مردم است (حکمت نیا و موسوی، 136:1385). پالوما^۴ (2010) در تحقیقی در رابطه با نقش تربیت معرفت شناختی و شیوه‌های شناختی معلمان در زمینه آموزش شهروندی فعال به ویژه در سال‌های اولیه آموزش نشان داد که روابط پیچیده‌ای بین عملکرد تدریس و باورهای معلمان درباره مفاهیم حقوق شهروندی و شهروندی فعال وجود دارد (تاسی و همکاران، 659:2006) کالیو^۵ (2016) در کتابی با موضوع سیاست، شهروندی و حقوق به بررسی وضعیت کودکان و نوجوانان کار در کشور کامبوج می‌پردازد و این طور نتیجه می‌گیرد که این کودکان به دلیل فقر زیاد از دسترسی به مدرسه و محروم مانده‌اند و دولت موظف است براساس حقوق شهروندی که بر عهده دارد برای آن‌ها کارهایی لذت‌بخش‌تر و مفید ایجاد کند تا هم به درس خواندن برسند و هم گرفتار مشکلات مالی نشوند. شیانی و داودوندی (1389) در پژوهشی با موضوع «تحلیلی بر میزان

1. Wilbur Marshall

2. Lister

3. Packham

4. Paloma

5. Kallio



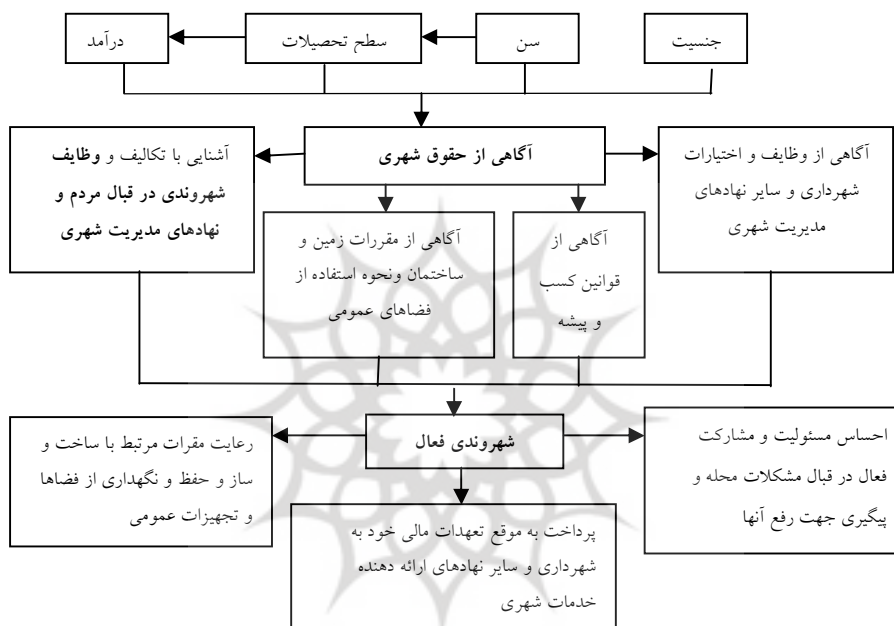
آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان» به توصیف میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان و تحلیل عوامل مؤثر بر آن پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در حالی است که نهاد تعلیم و تربیت نقش بسیار مهمی در افزایش آگاهی افراد از حقوق شهروندی بر عهده دارد، اما دانشجویان به عنوان قشر تحصیل کرده جامعه از آگاهی متوسط و روبه پایین نسبت به حقوق شهروندی خود برخوردارند. زارع و ملک‌پور (1395) عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی را در بین شهروندان شهر سنندج مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار بین میزان مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و میزان آگاهی از حقوق شهروندی است، اما سن افراد با میزان آگاهی رابطه‌ای نداشته است. رمضان مقدم و جانی‌پر (1396) در تحقیقی به بررسی عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین در ارتباط با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد بین پایگاه اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، تحصیلات، تعهدات شهروندی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه مستقیم معنی‌دار وجود دارد.

3- مواد و روش‌ها

با توجه به این که تحقیق حاضر در جستجوی رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهری و شهروندی فعال است، از این‌رو از نظر ماهیت و روش از نوع تحقیقات همبستگی است. داده‌های مورد نیاز به دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش پیمایشی (پرسش‌نامه) گردآوری شده‌اند. در روش اسنادی جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق به مطالعات انجام گرفته پیشین در تحلیل رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهری و شهروندی فعال مراجعه شده است. پس از ارزیابی تحقیقات نظریات مرتبط با موضوع به تدوین شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق پرداخته شده و در نهایت در راستای پرسش‌های تحقیق با طرح گویه‌های متناسب، شاخص‌های مربوط به هر یک از دو مفهوم یادشده مورد سنجش قرار گرفته است.

متغیرهای مورد استفاده در سه گروه متغیرهای زمینه‌ای شامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و درآمد، متغیرهای تشکیل‌دهنده شاخص آگاهی از حقوق شهری و متغیرهای مرتبط با شهروندی فعال دسته‌بندی شدند. شاخص آگاهی از حقوق شهری توسط چهار مؤلفه آگاهی از وظایف و اختیارات شهرداری و سایر نهادهای مدیریت شهری (5 گویه)، آشنایی با تکالیف و وظایف شهروندی در قبال مردم و نهادهای مدیریت شهری (4 گویه)، آگاهی از مقررات زمین و ساختمان ونحوه استفاده از فضاهای عمومی (3 گویه) و آگاهی از قوانین کسب و پیشه (2 گویه) مورد سنجش قرار گرفتند. شاخص شهروندی فعال از طریق سه مؤلفه احساس

مسئولیت و مشارکت فعال در قبال مشکلات محله و پیگیری جهت رفع آن‌ها (5 گویه)، رعایت مقرات مرتبط با ساخت و ساز و حفظ و نگهداری از فضاها و تجهیزات عمومی (5 گویه) و پرداخت به موقع تعهدات مالی خود به شهرداری و سایر نهادهای ارائه‌دهنده خدمات شهری (2 گویه) سنجیده شدند. چهارچوب مفهومی تحقیق و نحوه روابط متقابل متغیرهای مورد استفاده در تحقیق در شکل 1 نشان داده شده است.



شکل 1 چارچوب مفهومی و روابط بین متغیرهای تحقیق

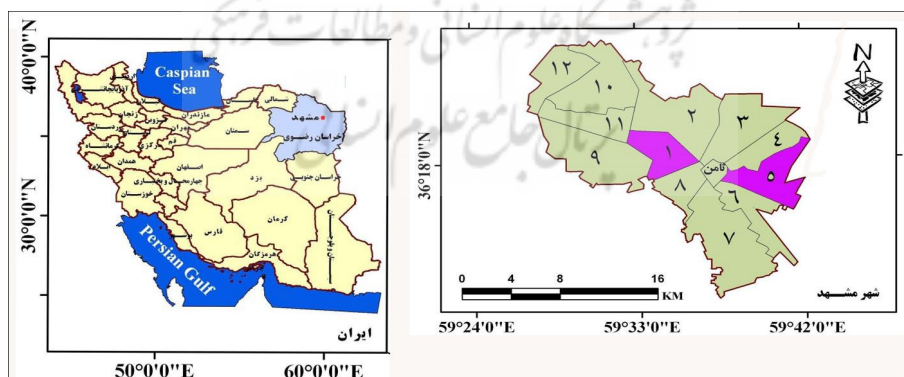
جامعه‌ی آماری این تحقیق ساکنان دو منطقه شهرداری 5 و 1 شهرداری مشهد را شامل می‌شود که در گروه سنی واقع در فاصله سنی 25 تا 70 سال هستند. دلیل انتخاب این محدوده سنی این است که معمولاً افراد از سن 25 سالگی بعد از طی تحصیلات دانشگاهی و انجام خدمت سربازی (در مورد مردان) ازدواج کرده و وارد عرصه کار و فعالیت می‌شوند و به تبع آن با نهادهای مدیریت شهری سروکار پیدا می‌کنند. واحد تحقیق در این پژوهش فرد است. حداقل حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران 384 برآورد گردیده است که با توجه به جمعیت هر منطقه، تعداد 184 نفر از منطقه 1 و 200 نفر از ساکنان منطقه 5 به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. داده‌های مورد نیاز گردآوری شده در طیف 5 گزینه‌ای لیکرت ارزش‌گذاری و با وارد کردن آن‌ها در محیط

نرم‌افزاری اس‌پی‌اس‌اس و استفاده از آزمون‌های آماری همچون همبستگی، رگرسیون، مقایسه میانگین‌ها و آزمون کای اسکوار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

4- معرفی محدوده مطالعه

شهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی در شمال شرقی ایران و به فاصله 892 کیلومتری تهران (از مسیر نیشابور- سبزوار) و 916 کیلومتری از مسیر قوچان- بجنورد قرار دارد. ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا 985 متر است و طبق آخرین سرشماری رسمی در سال 1395 با جمعیتی معادل 3372660 نفر بعد از تهران دومین شهر کشور محسوب می‌شود. علاوه بر این جمعیت ساکن مشهد به دلیل موقعیت زیارتگاهی ویژه و وجود آرامگاه امام هشتم شیعیان سالیانه پذیرای بیش از 20 میلیون نفر زائر و گردشگر داخلی و خارجی است.

از نظر تقسیمات داخلی این شهر به 13 منطقه شهرداری تقسیم‌بندی شده است. منطقه یک با جمعیتی حدود 180 هزار نفر و وسعتی معادل 1611 هکتار از سه ناحیه خدماتی تشکیل شده است. این منطقه یکی از مراکز مهم تجاری- اداری و جز مناطق مرفه‌نشین شهر مشهد محسوب می‌شود. منطقه 5 دارای وسعتی معادل 1658 هکتار و جمعیتی حدود 170 هزار نفر است. این منطقه که در شمال شرق مشهد واقع شده یکی از مناطق محروم شهر مشهد است. بخشی از جمعیت این منطقه را مهاجرین افغانی تشکیل می‌دهد. دلیل انتخاب این دو منطقه برای این پژوهش این است می‌خواهیم رابطه سطح رفاه و درآمد و برخورداری ساکنان و میزان آگاهی آنان از حقوق شهری و شهروندی فعال را مورد بررسی قرار دهیم. شکل 2 موقعیت شهر مشهد در کشور و استان و موقعیت مناطق مورد مطالعه در شهر را نشان می‌دهد.



شکل 2 موقعیت شهر مشهد در کشور و استان و موقعیت مناطق مورد مطالعه در شهر

5- تحلیل یافته‌ها و نتایج

5-1- یافته‌های توصیفی

در این مبحث ابتدا یافته‌های توصیفی تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. بررسی آمار توصیفی نمونه‌ها از این نظر اهمیت دارد که با توجه به تعداد کافی نمونه (384) و روش نمونه‌گیری تصادفی ویژگی‌های آماری نمونه تا حد زیادی بیانگر ویژگی‌های جامعه آماری است. پس از بررسی آمار توصیفی با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی از جمله آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها، ضریب همبستگی و کای اسکور به پرسش‌های اساسی تحقیق پاسخ داده می‌شود.

روایی پرسش‌نامه‌ها از طریق بررسی و اظهار نظر تعداد 9 نفر از متخصصان رشته برنامه‌ریزی شهری و جامعه‌شناسی مورد تأیید گرفت. برای سنجش پایایی گویه‌های پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. براساس آزمون یادشده این ضریب در مورد مؤلفه آگاهی از حقوق شهری 0/867 و در رابطه با شهروندی فعال 0/814 به دست آمده که حاکی از پایایی مناسب ابزار اندازه‌گیری (پرسش‌نامه) است.

بررسی درصد فراوانی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که از نظر جنسیت در مجموع 58/33 درصد از نمونه‌ها مرد و 41/14 درصد زن بوده‌اند. از نظر ترکیب سنی 29/16 درصد از پاسخ‌گویان در رده سنی 30 تا 40 سال، 23/43 درصد در گروه 40 تا 50 سال و 21/35 درصد در رده سنی 20 تا 30 سال قرار داشته‌اند.

با توجه با این که سه متغیر سطح تحصیلات، سطح درآمد و مدت اقامت در شهر ارتباط بیشتری با موضوع مورد بررسی یعنی آگاهی از حقوق شهروندی دارند، درصد پاسخ‌گویان در رابطه با این سه متغیر در دو منطقه به تفکیک در جدول 1 تنظیم شده است.

جدول 1 درصد فراوانی نسبی پاسخ‌گویان در دو منطقه 1 و 5 براساس درآمد و تحصیلات و مدت اقامت

سطح تحصیلات	منطقه 1	منطقه 5	سطوح درآمدی به هزار تومان	منطقه 1	منطقه 5	مدت اقامت در شهر	منطقه 1	منطقه 5
بی‌سواد	1/6	8	کمتر از 500	5	16/9	کمتر از 1 سال	5/2	13/5
ابتدایی و نهضت	1/1	10/1	501 - 800	5/6	11/8	1 - 5 سال	16/3	19
راهنمایی و متوسطه	1/1	40/2	801 - 1000	4/4	25	6 - 10 سال	20/3	14/7
دیپلم	5/5	16/6	1000 - 1500	6/3	28/7	11 - 15 سال	14/4	23/9
فوق لیسانس و لیسانس	54/4	23/5	1500 - 2000	32/5	14	16 - 20 سال	5/9	14/7
ارشد و دکتری	36/3	1/5	بیش از 2000	46/3	3/7	بیش از 20 سال	37/9	14/1

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان



نگاهی اجمالی به جدول 1 بیانگر تفاوت قابل ملاحظه درصدها در دو منطقه است، به طوری که سطح تحصیلات و سطح درآمد پاسخ‌گویان به طور قابل توجهی در منطقه 1 بیشتر از منطقه 5 بوده است. در مورد مدت اقامت در شهر نیز داده‌ها نشان‌دهنده این است که درصد ساکنان با اقامت بیش از 20 سال در منطقه یک 37/9 درصد و در منطقه 5 معادل 14/1 درصد است.

2-5- یافته‌های استنباطی

1-2-5- سنجش سطح آگاهی از حقوق شهری

یکی از پرسش‌های اساسی این پژوهش سنجش سطح آگاهی ساکنان دو منطقه 1 و 5 شهرداری مشهد از حقوق شهری و مقایسه آن با یکدیگر است. به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش میانگین سطح آگاهی ساکنان از حقوق شهری را جداگانه در دو منطقه بررسی کرده‌ایم. این بررسی با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها (تی تست تک نمونه¹) انجام شده است. با توجه به این‌که داده‌ها در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) رتبه‌بندی شده‌اند، عدد 3 را به عنوان حد وسط در نظر گرفته و میانگین نمره سطح آگاهی ساکنان با آن مقایسه شده است. نتایج در جدول 2 منعکس گردیده است.

جدول 2 نتیجه آزمون مقایسه میانگین نمره سطح آگاهی ساکنان از حقوق شهری با مقدار حد وسط (عدد 3)

مقدار حد متوسط = 3				شاخص
سطح معنی‌داری	میانگین	درجه آزادی	مقدار آماره t	
0/124	3/124	183	1/546	میانگین آگاهی ساکنان از حقوق شهری در منطقه 1
0/000	2/517	199	-11/096	میانگین آگاهی ساکنان از حقوق شهری در منطقه 5
0/000	2/816	382	-3/76	میانگین کل دو منطقه

نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که سطح آگاهی ساکنان از حقوق شهری در منطقه 1 (3/124) در حد متوسط است، چون سطح معنی‌داری به دست آمده (0/124) کمتر از 0/05 نیست، ولی این رقم بین ساکنان منطقه 5 و همچنین کل ساکنان دو منطقه (به ترتیب 2/517 و 2/816) حاصل شده که با توجه به این که در هر دو مورد سطح معنی‌داری آزمون کمتر از 0/05 است، بیانگر این است که سطح آگاهی ساکنان در این دو مقیاس یعنی منطقه 5 و کل ساکنان دو منطقه کمتر از حد متوسط است.

برای بررسی تفاوت میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهری بین دو منطقه 5 و 1 شهرداری مشهد از آزمون مقایسه میانگین‌ها در حالت درون گروهی¹ استفاده شده است. به این معنی که متغیر میزان آگاهی در دو دسته منطقه 1 و 5 رتبه‌بندی شده و میانگین این دو با هم مقایسه شده است (جدول‌های 3 و 4).

جدول 3 میانگین نمره آگاهی ساکنان از حقوق شهری به تفکیک دو منطقه 1 و 5

شاخص‌ها	نام منطقه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
میانگین آگاهی ساکنان از حقوق شهری	منطقه 1	168	3/124	0/916
	منطقه 5	188	2/517	0/523

جدول 4 نتایج مقایسه میانگین نمره آگاهی ساکنان از حقوق شهری به تفکیک دو منطقه 1 و 5

شاخص	فرض‌های مقایسه واریانس‌ها	آزمون برابری واریانس‌ها	آزمون مقایسه میانگین‌ها
میانگین نمره میزان آگاهی ساکنان از حقوق شهری	فرض برابری واریانس‌ها	آماره F 40/279	آماره t 7/032
	فرض نابرابری واریانس‌ها		آماره t 6/954
		sig 0/000	sig 0/000

داده‌های جداول 3 نشان می‌دهد که میانگین آگاهی از ساکنان منطقه 1 معادل 3/139 و ساکنان منطقه 5 برابر با 2/506 است. در جدول 4 آزمون مقایسه واریانس‌ها و میانگین‌های آگاهی ساکنان را در دو منطقه نشان می‌دهد. چون سطح معنی‌داری در آزمون تساوی واریانس‌ها (آزمون Levene) معادل صفر و کمتر از 0/05 است، فرض برابری واریانس‌ها رد شده

1. Independent – Samples T Test

و برای مقایسه میانگین‌ها سطر دوم جدول یعنی فرض نابرابری واریانس‌ها ملاک عمل قرار گرفته است و از آن‌جا که سطح معنی‌داری حاصل شده از مقایسه میانگین‌ها صفر و کمتر از 0/05 است، نتیجه می‌شود که بین میانگین نمره آگاهی ساکنان دو منطقه 1 و 5 تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر سطح آگاهی ساکنان منطقه 1 به طور معنی‌داری از منطقه 5 بیشتر است.

5-2-2- بررسی رابطه همبستگی بین میزان آگاهی از حقوق شهری و شهروندی فعال
 اگرچه متغیرها در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت رتبه‌بندی شده‌اند، ولی از آن‌جا که تعداد نمونه به حد کافی بزرگ بوده است؛ بنابراین می‌توان باداده‌های رتبه‌ای مانند داده‌های کمی نسبتی رفتار کرد. بر این اساس برای بررسی رابطه همبستگی بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهری و شهروندی فعال از آزمون ضریب همبستگی کمی پیرسون استفاده شده است. نتایج در جدول 5 نشان داده شده است.

جدول 5 نتایج آزمون ضریب همبستگی کمی پیرسون بین آگاهی شهری و شهروندی فعال

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نام منطقه	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
میانگین نمره آگاهی از حقوق شهری	میانگین نمره شهروندی فعال	منطقه 1	184	0/558	0/000
		منطقه 5	200	0/400	0/001
		جمع دو منطقه	384	0/562	0/000

با بررسی نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی مشخص می‌شود که با توجه به این‌که سطح معنی‌داری آزمون در هر دو منطقه و همچنین جمع دو منطقه کمتر از 0/05 است، در هر دو منطقه بین میزان آگاهی ساکنان از حقوق شهری و شاخص شهروندی فعال همبستگی معنی‌دار مثبت وجود دارد، اما شدت همبستگی بین دو متغیر یاد شده در منطقه 1 قوی‌تر از منطقه 5 است.

5-2-3- بررسی رابطه همبستگی بین ویژگی‌های فردی و میزان آگاهی از حقوق شهری یکی دیگر از پرسش‌های اساسی تحقیق این بود که آیا بین ویژگی‌های فردی و اجتماعی-اقتصادی از قبیل جنسیت، سن، سطح تحصیلات و سطح درآمد و میزان آگاهی ساکنان از حقوق و قوانین شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن، سطح تحصیلات و میزان درآمد ماهیانه و آگاهی از قوانین شهری پاسخ‌گویان در جدول 6 آمده است.

جدول 6 نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
میانگین آگاهی از حقوق و قوانین شهری	سن پاسخ‌گویان	384	0/029	0/640
	سطح تحصیلات	384	0/373	0/000
	میزان درآمد	384	0/272	0/000
	مدت اقامت در مشهد	384	0/101	0/124

داده‌های حاصل از نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین سن پاسخ‌گویان و مدت اقامت آن‌ها در شهر مشهد و آگاهی از حقوق و قوانین شهری همبستگی معنی‌دار وجود ندارد، در صورتی که بین دو متغیر مستقل سطح تحصیلات و میزان درآمد خانواده با متغیر وابسته یعنی میانگین آگاهی از حقوق و قوانین شهری همبستگی معنی‌دار مثبت وجود دارد. به این معنی که ساکنان دارای سطوح بالاتر تحصیلات و درآمد از میزان آگاهی بیشتری از حقوق و قوانین شهری برخوردار بوده‌اند.

برای بررسی رابطه بین جنسیت و میانگین آگاهی از حقوق شهری با توجه به کیفی بودن متغیر جنسیت، میانگین نمره آگاهی حقوق شهری هم در سه سطح کم (کمتر از 2,5)، متوسط (2,5 تا 3,5) و زیاد (بیشتر از 3,5) رتبه‌بندی شده و برای سنجش ارتباط دو متغیر یاد شده از آزمون کای اسکور استفاده شده است. جدول 7 مقدار ضریب کای اسکور پیرسون، ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن را نشان می‌دهد.

جدول 7 نتایج آزمون کای اسکور بین جنسیت و میانگین آگاهی از حقوق شهری

شاخص	مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ضریب کای اسکور پیرسون	12/443	4	0/014
ضریب رتبه‌ای اسپیرمن	-0/158	372	0/000



با توجه به این که سطح معنی‌داری ضریب کای اسکوتر پیرسون معادل 0/014 و کمتر از 0/05 است نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر جنسیت و سطح آگاهی از حقوق شهری پاسخ‌گویان است. از آن‌جا که ضریب رتبه‌ای اسپیرمن بین دو متغیر یاد شده منفی به دست آمده است (0/158-) و با توجه به این که مردان با کد 1 و زنان با کد 2 رتبه‌بندی شده‌اند بیانگر بالاتر بودن سطح آگاهی مردان نسبت به زنان است.

6- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تحلیل نقش آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال در بین ساکنان دو منطقه 1 و 5 شهرداری مشهد انجام شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سطح آگاهی ساکنان از حقوق شهری در منطقه 1 با میانگین 3/124 در حد متوسط و در منطقه 5 با میانگین 2/517 پایین‌تر از حد متوسط بوده است. همچنین نتایج بیانگر این واقعیت است که بین میانگین نمره آگاهی ساکنان دو منطقه از حقوق شهری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. این تفاوت را می‌توان این گونه توجیه کرد که منطقه 1 جز مناطق برخوردار و مرفه‌نشین مشهد بوده و در مقابل منطقه 5 در زمره مناطق فقیرنشین و غیربرخوردار محسوب می‌شود. طبیعی است که برخورداری از درآمد بیشتر، بهره‌مندی از امکانات بیشتر آموزشی و تحصیلی بهتر استفاده از رسانه‌های گروهی پیشرفته‌تر (اینترنت، روزنامه، کتاب و...)، شرایط و سطح شغلی بالاتر و تعامل با افراد آگاه و مطلع و امکان سفرهای داخلی و خارجی بیشتر را فراهم می‌آورد که همه این‌ها باعث افزایش سطح آگاهی از حقوق شهروندی را مهیا می‌سازد. وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین سطح درآمد و آگاهی از حقوق شهری که یکی دیگر از نتایج این پژوهش نیز مؤید این ادعاست. از دیگر نتایج این تحقیق وجود رابطه مثبت معنی‌دار بین سطح آگاهی از حقوق شهری و مشارکت فعال شهروندان است. این رابطه در هر دو منطقه وجود دارد، اما ضریب همبستگی بین این دو متغیر در منطقه 1 شدیدتر از منطقه 5 است. این نتیجه با مباحث نظری و پیشینه تحقیق در مورد رابطه حقوق شهروندی و مشارکت (زارع و ملک‌پور، 1395) مطابقت دارد. اعضای یک جامعه هنگامی به مشارکت واقعی، آگاهانه و مؤثر در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی ترغیب می‌شوند که نسبت به حقوق و تعهدات خود از یک سو و حیطه وظایف و مسئولیت‌های مدیران نهادها و دستگاه‌های اجرایی آگاهی داشته باشند. چنین آگاهی هم آنان را به مطالبه حقوق خود ترغیب می‌نماید و هم احساس مسئولیت آنان را در قبال رعایت حقوق دیگران و نیز مقررات و قوانین مربوطه به نهادهای موجود در جامعه افزایش می‌دهد؛ بنابراین

آگاهی از حقوق شهروندی را می‌توان هسته اصلی مشارکت اجتماعی و سیاسی یک جامعه دانست.

بررسی رابطه بین سطح آگاهی ساکنان و ویژگی‌های فردی و اجتماعی - اقتصادی آنان نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات و میزان درآمد افراد و میانگین سطح آگاهی آنان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. در مورد جنسیت، میانگین سطح آگاهی مردان بیش از زنان بوده است. دلیل این رابطه را می‌توان اینگونه توجیه کرد که با وجود اینکه سطح مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی از جمله ادامه تحصیل در مقاطع بالای آموزشی و ورود آنها به بازار کار به ویژه در مشاغل خدماتی و تجاری افزایش یافته است، اما هنوز در شهرهای ایران، میزان مشارکت و فعالیت مردان در عرصه‌های عمومی بالاتر از زنان است. طبیعی است که حضور بیشتر در عرصه‌های عمومی باعث افزایش سطح آگاهی از حقوق شهری و شهروندی می‌گردد. رابطه همبستگی مثبت بین سطح تحصیلات و میزان آگاهی از حقوق شهری کاملاً قابل توجیه و طبیعی است. افراد تحصیل کرده طی دوران تحصیل ضمن یادگیری مطالب مرتبط با رشته تحصیلی در کنار آن با دروس عمومی آشنا می‌شوند که حاوی اطلاعات زیادی درباره موضوعات مختلف اجتماعی و فرهنگی است. علاوه بر این محیط‌های آموزشی بستر مناسبی برای برخورد‌های چهره به چهره و تعاملات اجتماعی بین دانش‌آموزان و دانشجویان با یکدیگر از یک سو و با معلمان و استادان از سوی دیگر فراهم می‌کند که این شرایط زمینه را برای تبادل اطلاعات و افزایش آگاهی از حقوق شهروندی فراهم می‌سازد. اجتماع ایجاد شده در محیط‌های آموزشی زمینه را برای همکاری با مدیریت‌های گروهی و فعالیت‌های دسته جمعی مهیا می‌کند که تمرین خوبی برای مشارکت بهتر افراد در عرصه‌های اجتماعی است.

عدم وجود رابطه معنی‌دار بین سن و مدت اقامت با میزان آگاهی از حقوق شهروندی با ادبیات موضوعی مرتبط با موضوع انطباق ندارد. لواین¹ (1973) دو جنبه از فرایند جذب زندگی شهری یعنی مشارکت در زندگی شهری و دگرگونی ملازم با شهرنشینی اجتماعی را تحلیل کرده است. او در مطالعه‌ای روی مهاجران روستایی در آنکارا دریافت که هرچه فرد مسن‌تر باشد در زندگی شهری کمتر مشارکت می‌کند. همچنین تحقیقات او وجود یک رابطه معنی‌دار مثبت بین میزان تحصیلات مهاجران و تعداد سال‌هایی که در آنکارا زندگی کرده‌اند را نشان داد (کاستللو، 1368، 125). نتیجه پژوهش حاضر در این رابطه بیانگر این واقعیت است که هنوز در شهرهای کشور ما حتی در کلان‌شهری مثل مشهد زمینه و بستر مناسب اجتماعی

1. N.Levine



و نهادی برای مشارکت فعال شهروندی و اطلاع‌رسانی و آموزش حقوق شهری و شهروندی فراهم نیست و برای ایجاد و بهبود چنین زمینه‌ای نیاز به تلاش و توجه بیشتری از سوی مدیران و برنامه‌ریزان و نهادهای آموزشی است. در این رابطه گنجاندن مطالب مرتبط با حقوق شهری و شهروندی در منابع درسی در دوره‌های آموزشی به ویژه دوره‌های ابتدایی، اطلاع‌رسانی شفاف و مؤثر قوانین و مقررات مربوط به حقوق شهری و شهروندی از سوی نهادهای دولتی در سطح ملی و محلی و فراهم ساختن بستر قانونی مناسب برای تشکیل نهادهای مردم نهاد و تشویق و ترغیب مردم به مشارکت فعال می‌تواند باعث افزایش سطح آگاهی مردم از حقوق شهروندی و ارتقا سطح مشارکت آن‌ها در امور جامعه و مدیریت شهری گردد. دولت‌ها نباید تصور کنند با مشارکت مردم در امور اقتدار آن‌ها کاهش می‌یابد، بلکه باید بپذیرند که در شهرهای پیچیده امروزی بدون مشارکت مردم اداره شهرها ممکن نیست.

بدیهی است ایجاد بستر مناسب برای مشارکت مردم در شهرها تابعی از ساختار کلی نظام سیاسی حاکم بر هر کشور است. به عنوان مثال کشور ایران که در طول تاریخ تحت تسلط حکومت‌های خودکامه و غیردموکراتیک اداره می‌شده است، حیات شهری در این کشور نیز عاری از ویژگی‌های مدنی و شهروندی بوده است و فقط تصمیمات یک جانبه مرکز سیاسی در اداره امور شهرها چارچوب امور را تعیین کرده است (حکمت‌نیا و موسوی، 1385: 136). به موازات تحولات ساختار سیاسی و حرکت از حکومت‌های غیردموکراتیک به سمت نظام مبتنی بر رأی مردم مفاهیمی چون حقوق شهروندی نیز مطرح و بسط یافته است. تغییر ساختار مدیریت شهری در ایران از سال 1377 و بعد از اجرای قانون شوراهای شهر و انتخاب شهردار توسط این شورا نقطه عطفی در افزایش مشارکت مردم در اداره امور شهرها محسوب می‌گردد.

منابع

- آذرداد، لادن (1389). جایگاه شهروندی در مراجع شبه قضایی، تهران: انتشارات جاودانه.
- Azardad, L. (2010). *Citizenship Position in Quasi-Judiciary Authorities*, Tehran, AVEDANEH Publishing. [in Persian]
- آشوری، داریوش (1366). *دانش‌نامه سیاسی*، نشر مروارید، تهران.
- Ashuri, D. (1987). *Political Science Encyclopaedia*, MORVARID Publishing, Tehran. [in Persian]
- امیری، سروش (1395). ریشه‌های ملی و بین‌المللی چالش‌های حقوق شهروندی در ایران، *فصلنامه سیاست، دانشگاه تربیت مدرس*، 10، صص 75-97.

- Amiri, S. (2016). National and International Origins of the Challenges of Citizenship Rights in Iran, Quarterly of Politics, Tarbiat Modarres University, 10, pp. 97-75. [in Persian]
- پورعزت، علی اصغر، قلی‌پور، آریین و حوریه باغستانی برزکی (1389). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها، مجله رفاه اجتماعی، 38، صص 5-40.
- Porezzat, A., Gholipour, A., Baghestani Barzaki, H. (2010). the Relationship of Citizens' Awareness of Citizenship with Responsiveness and Transparency of Organizations, Social Welfare Magazine, Autumn 2010, 38, pp. 40-5. [in Persian]
- جلالی فراهانی احمد، (1386). کلیات حقوق شهروندی، روزنامه ایران، دوشنبه 18 تیر.
- Jalali Farahani Ahmad (2007). an Itroudction to Citizenship Rights, Iranian Newspaper, Monday, July 18. [in Persian]
- حسینی، سید علی (1389). مبانی فنی و اجرایی حقوق شهری و منطقه‌ای در ایران، چاپ چهارم، انتشارات زیتون، تهران.
- Hosseini, S. A. (2010). Technical and administrative bases of urban and regional rights in Iran, 4th edition, Zaytun Publishing, Tehran. [in Persian]
- حکمت‌نیا، حسن و میر نجف موسوی (1387). تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 80، صص 121-136.
- Hekmat Nia, H., Mousavi, M.N. (2008). Historical Analysis of Citizen Participation in the Administration of Iranian Cities, Quarterly of Geographical Research, 80, pp. 136-121. [in Persian]
- دستمالچیان، احمد (1390). کلیاتی راجع به حقوق شهروندی، اداره صیانت از حقوق شهروندی، وزارت کشور، بهار.
- Handmalchian, A. (2011). an Introduction to Citizenship Rights, Department for the Protection of Citizens' Rights, Ministry of Interior, Spring. [in Persian]
- رمضان مقدم واجاری، یاسمن و مجتبی جانی‌پور (1396). رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، سال نهم، 34، صص 33-49.



- Ramazan Moghadam Vajjari, Y., Janipour, M. (2017). the Relationship of Social Factors and Knowledge of Laws with Knowledge of Citizenship Rights among Rasht, Journal of Sociological Studies, Vol. 9, 34, pp. 49-33. [in Persian]
- روشن، محمد، بیراوند، رضا و حسین یاراحمدی (1393). حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، دفتر مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، 30، صص 111-138.
- Roshan, M., Beyrawand, R., Yar Ahmadi, H. (2014). Citizenship Rights, its Background and Its Position in Police Relations, Islamic training and Intelligence, Islamic Studies and Research Bureau, Islamic Political- Ideological Organization of NAJA, No. 30, pp. 11-138. [in Persian]
- زارع، ذکریا و فاطمه ملک‌پور (1395). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر سنندج، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال پانزدهم، 4، صص 33-49.
- Zare, Z., Malekpour, F. (2016). the Study of Social Factors Affecting on Citizenship Awareness Among the Citizens of Sanandaj City, Quarterly Journal of Informational and Criminal Researchs, Vol. 15, 4, pp. 49-33. [in Persian]
- شیانی، ملیحه و طاهره داووند (1389). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان برنامه‌ریزی، مجله رفاه و توسعه اجتماعی، 5، صص 35-60.
- Shiyani, M., Dawoodvand, T. (2010). an Analysis of the Level of Citizenship Awareness among Students of Planning, Journal of Welfare and Social Development, 5, pp. 60- 35. [in Persian]
- غفاری نسب، اسفندیار (1391). نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، مطالعات شهری، 2، صص 139-162.
- Ghaffari Nasab, Esfandiar (2012). the Role of Citizenship in Improving the Quality of Urban Life, Journal of Urban Sociological Studies, Urban Studies, 2, pp. 119-162. [in Persian]
- فالکس، کیث (1381). شهروندی، ترجمه محمد علی دلفروز، نشر کویر، تهران.
- Falks, K. (2002). Citizenship, translation by Mohammad Ali Delfrooz, KAVIR Publishing, Tehran. [in Persian]

- کاستللو، وینسنت فرانسیس (1368). شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی ضیایی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
- Castello, V.F. (1989). Urbanization in the Middle East, Translated by Parviz Piran and Abdolali Ziaei, Nayer Rey, NAY Publishing, First Edition, Tehran. [in Persian]
- هاشمی، سید محمد، همتی، مجتبی و حسن اسماعیلزاده (1388). حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی، تحقیقات حقوقی، 50.
- Hashemi, S. M., Hemmati, M. and Esmailzadeh, H. (2009). Citizenship Rights and Participatory Development, Legal Research, Fall and Winter, 2009, 50. [in Persian]
- Atory, M. (2012). Active citizenship, the Right to participate, European Commission.
- Darmanin, M. (2011). Active Citizenship for a Better European Society, European Economic and Social Committee.
- Chiu, S.F., Tsai, M. (2006). Relationships among Burnout, job involvement and organizational citizenship behavior, Journal of Psychology, Volume 140, 2006 - Issue 6, pp. 517-530.
- Hoskins, B., Jesinghaus, J., Mascherini, M., Munda, G., Nardo, M., Saisana, M., Van Nijlen, D., Vidoni D., Villalba, E. (2006). Measuring Active Citizenship in Europe, Institute for the Protection and Security of the Citizen, European commission.
- Jansoki, T. (1998). Citizenship and Civil Society, a Framework of Right and Obligations in Liberal, Traditional and Social Democratic Regimes, first published, University of Kentucky.
- Kallio, K. P., Mills, S., Skelton, T. (2016). Politics, Citizenship and Rights, Geographies of Children and Young People, Springer.
- Lister, R. (1998). Citizen in Action: Citizenship and Community Development in Northern Ireland Context, Community Development Journal, Vol. 33, No. 3 (July 1998), pp. 226-235.



- Lunn Brownlee, J., Scholes, L., Walker, S., Eva Johansson, E. (2016). Critical Values Education in the Early Years: Alignment of teachers' personal epistemologies and practices for active citizenship, *Teaching and Teacher Education* 59 (2016), 261e273.
- Marshall, T. H. (1992). Citizenship and Social Class" in T. H. Marshall, & T. Bottom ore (Eds.), *Citizenship and Social Class* (pp. 3–51), London: Pluto Press.
- Mascherini, M., R., Manca, A. R., Hoskins, B. (2009). the Characterization of Active Citizenship in Europe, GRC Scientific and Technical Reports, European Commission, Research Centre Institute for the Protection and Security of the Sitizen.
- Packham, C. (2008). *Active Citizenship and Community Learning*, Learning matters Ltd, www.Learningmatters.co.uk.
- Paloma, V., Garcia-Ramirez, M., de la Mata, M., Association AMAL-Andaluza (2010) Acculturative integration, self and citizenship construction: the experience of Amal-Andaluza, a grassroots organization of Moroccan women in Andalusia, *International Journal of Intercultural Relations*, 34 (2010) 101–113.
- Piper, L., Von Lieres, B. (2008). Inviting Failure: Citizen Participation and Local Governance in South Africa, *Citizenship DRC Special Issue*, Vol. 1, 1.
- Prasad, Pandey Ganesh (2015). Dose Citizen Participation local government decision – making contribute to strengthening local planning and account ability systems? An empirical assessment of stakeholder's perception in in NEPAL, *International Public Management Review*, Vol. 16.
- Tilly, C. (1997). Aprimerr on citizenship, *Theory and Society*, 26(34), 599-602.
- Villa, D. (2001). *Socratic Citizenship*, Princeton University Press.